



مصاحبه با استاد وهبة زحيلي

معرفی «التفسير المنير»

دکتر وهبة زحيلي از فقیهان، مفسران و دانشوران سختکوش سوریه و از عالمان هوشمند آن دیار است. مجموعه فقهی «الفقه الاسلامی وادلته» وی اکنون یکی از منابع مهم فقهی در عصر حاضر به شمار می رود، و تفسیر وی با عنوان «التفسير المنير» - با نگاهی نو به قرآن - از آثار شایان توجه قرآن پژوهی است. از این تفسیر به عنوان کتاب سال جهانی، در مراسم کتاب سال ۱۳۷۲، تقدیر به عمل آمد. در سفری که ایشان بدین مناسبت به جمهوری اسلامی ایران داشتند، فرصتی پیش آمد تا چگونگی تفسیر را از

بیانات: جناب آقای دکتر وهبة زحيلي با ابراز خوشحالی از تشریف فرمایی جناب عالی به جمهوری اسلامی ایران، اینک که تفسیر وزین «المنير» تألیف جناب عالی نشر یافته است لطفاً ویژگیهای این تفسیر را بیان فرمایید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين
از شما سپاسگزارم که لطف فرموده و ترتیب این گفت و گو را داده اید. گفت و گویی که ارتباطی است بین من و برادرانم: علماء و دانشمندان جمهوری اسلامی با عظمت ایران.

ما برای نظام اسلامی ایران از خداوند پیروزی و نصرت و غلبه بر همه بدخواهان را مسألت داریم، زیرا پیروزی نظام اسلامی، پیروزی اسلام است و بیانگر صلاحیت اسلام برای تشکیل حکومت و بقا و استمرار آن. بویژه در زمانی که مردم در این که دین، چقدر قدرت و توان دارد حکومت سیاسی تشکیل بدهد و با رخدادهای بین المللی همسو باشد، در شک و تردیدند.

اما این که خواستید در زمینه کتاب «تفسیر المنیر» صحبت کنم، باید به مسائلی در آن ارتباط اشاره کنم:

۱. در رابطه با این تفسیر، چون من نیاز شدیدی را میان گروههای مختلف مردم، از زن و مرد، که از نظر فرهنگی در حد متوسطی هستند، احساس کردم و به این نتیجه رسیدم که مردم، علاقه دارند محتوای کتاب الهی را بدانند و بر این عقیده اند که از مهم ترین چیزهایی که در پیشگاه پروردگار از انسان مورد پرسش قرار می گیرد، قرآن کریم است؛ چه این که اگر فرد مسلمان به قرآن عمل کرد، حجت برای وی و در صورت عمل نکردن، حجت علیه اوست، بر آن شدم تفسیری برای پاسخ گویی به نیازهای آنان بنگارم.

تردید نیست که قرآن کریم، تنها برای تلاوت نیست. درست است که قرآن، کتاب عبادت است و ما در نماز و اعمال خود متعبد بدان هستیم، ولی این کتاب در حقیقت، قانون امت اسلامی است که فرو فرستاده شده و می سزد که شخص مسلمان در تمام حالات خود، بدان عمل کند. ارتباط او، با خویشتن، به عنوان یک فرد و ارتباطش با خانواده اش به عنوان جامعه ای کوچک، و ارتباطش با امتی که به آن وابسته است، حالاتی است که نباید از قرآن جدا باشد. از تفاسیر قدیم آغاز می کنم:

یکی از اندیشمندان بزرگ به من گفت: من آیاتی از قرآن را در بزرگترین تفاسیر و مختصرترین آنها خواندم، ولی به سبب مطالب اضافی و از این جا به آن جا، نتیجه ای به دست نیاوردم.

تردید نیست که کتابها و تفاسیر قدیم دایرة المعارفهای بزرگی هستند و در آنها مطالب فراوانی، در مسائل علمی دشوار وجود دارد که مربوط به متخصصین آن علوم است، ولی امروزه غالب مردم در دین و اعتقادات اسلامی، عالم و دانشمند نیستند، زیرا آنها به امور دیگر زندگی اشتغال دارند، ولی می خواهند کتاب خدا را بدانند و معانی این آیات در آن تفاسیر بزرگ قدیمی، برای آنان قابل درک نیست و بسیاری از مردم، در این که تا چه پایه معنای صحیح این آیات، در تفاسیر جدید، آمده است، شک و تردید دارند، زیرا برخی از این تفاسیر، متأثر

از بعضی تمایلات و اغراض، می باشند و برای اینکه معانی قرآن را آن گونه که با زبان روز و عقاید مردم سازگاری دارد، ترجمه کنند دچار اشتباهات بزرگی شده اند و بعضاً از اجماع مسلمانان در تفسیر معنای آیه، خارج شده اند، از این روی هیچ کدام از تفسیرهای قدیم و جدید، نیاز مسلمانان را برای شناخت کتاب خدا بر طرف نکرده و عطش آنان را فرو نشانده است.

از این روی، من با خود گفتم: به ناچار باید تفسیری معتدل و عاری از پیرایه ها صورت گیرد تا تحت تأثیر جهت خاصی نباشد. من به بیان مستقیم معنی آیه اهتمام ورزیده ام، به گونه ای که هر گاه انسان بخواهد یک آیه و یا تفسیر آن را بخواند، مقصود از آن آیه در ذهن او نقش بیند. این، نخستین گام در موفقیت تفسیر است، زیرا آنچه که مهم است این است که انسان مضمون آیه را به عنوان کل غیر مجزاً و غیر منقطع بفهمد و سپس چگونگی ارتباط آیه را به ما قبل و مابعدش، درک نماید، چون آیات قرآن، هدف و غرض مشخصی را دنبال می کنند، و من این شیوه را در «تفسیر المنیر» انتخاب کردم.

۲. ملاحظه کردم که در قرآن متشابهاتی وجود دارد. البته منظورم آن متشابهاتی نیست که در قرآن فرموده: «ومن آيات محكمات هن ام الكتاب واخر متشابهات» بلکه آیاتی وجود دارد که در چند جا با هم متحد المعنی هستند، بخصوص قصه های قرآنی، برخی موضوعات عبرت آمیز از این سرگذشتها، آن جا که بعضی جوانب دینی و اخلاقی و ادبی را دربردارد.

از این روی، قطعاً باید این آیات در یک جایگاه گرد آیند که این نوع تفسیر، به تفسیر موضوعی معروف است. هر گاه، به قطعه ای از قرآن می رسیدم، نخست آن را به طور کامل، شرح و بسط می دادم و اگر از سیره نبوی و تاریخ اسلام در ارتباط با آن سرگذشت، مطلبی بود، آن را مطرح می کردم. این خود، کمکی بود برای مردم، تا از خلال آیات کوتاهی که جز متخصصین آن را نمی دانند، به معنای آن قصه پی ببرند. من در موضوعات زیادی، چون: جهاد، ازدواج، بازرگانی، تجارت، کشاورزی و معاملات، این معنی را قابل طرح دیدم. تمام روایاتی را که در این کتاب بیان کردم، استخراج کردم.

بنابراین، سه هدف را دنبال کردم:

* فهم آیه، به گونه ای که همسوی با هدف و مقصود باشد.

* کمک و تأیید بعضی از آیات به آیات دیگر.

* تأیید آنها با سنت نبوی ثابت و کنار زدن آنچه که غیر صحیح بود.

۳. کار دیگری که انجام دادم این بود که بیان معانی مفردات لغوی را برای همه این امور و اهداف، مهیا می کردم. زیرا فرهنگ نسل کنونی، از زبان عربی که قرآن بدان نازل شده

است، بیگانه است. بنابراین اگر فهم برخی از کلمات برای مردم، بیگانه به نظر می‌رسید، آنها را به صورت مفرد لغوی یاد آور شده‌ام.

۴. همه موضوعات مهم سوره را در مقدمه آن، در دو یا سه صفحه بیان کرده‌ام و آن را در ذهن خواننده این گونه ترسیم می‌کردم که این سوره، دارای طرحها و اهدافی است که آنها را دنبال می‌کند و سپس تناسب سوره با سوره قبلی را یادآوری کردم. عنایت داشتم که تناسبات برخی از آیات را نسبت به بعضی دیگر ذکر کنم، از این روی، برای هر دسته‌ای از آیات، عنوانی را قرار داده‌ام که مقصود از آن دسته آیات را روشن می‌سازد. عناوین مجموعه آیات، سه یا چهار عنوان، یا بیشتر است که قاری قرآن را برفهم مقصود از این آیات و مضمون آنها یاری می‌دهد.

به عنوان مثال: در خلال آیات سوره بقره، سخن از ربا به میان آمده:

«الذین یاکلون الربا لایقیمون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس... واحل الله الیبع وحرم الربا»^۲

سپس در خلال آیات می‌فرماید:

«ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوة و اتوا الزکاة»^۳

آن گاه یک بار دیگر به مسأله ربا برمی‌گردد. در چنین جایی وجه ارتباط و تناسب چیست؟ که از یک موضوع که ریاست سخن به میان می‌آید و بعد از خلال موضوع ربا، به مسائل مربوط به ایمان و نماز و زکات می‌پردازد، از این روی وجود تناسبات بعضی از آیات با آیات دیگر، مانند تناسبات برخی از سوره‌ها با بعضی دیگر، از مواردی بود که من به آن اهتمام داشتم.

۵. پس از آن، اعراب برخی از آیات را که اقتضای اعراب داشتند ذکر کرده‌ام ولی متعرض اعراب‌های ساده‌ای که همه مردم آنها را می‌دانند، نمی‌شدم مانند مبتدا و خبر و فعل و فاعل، چون اینها روشن بود.

ولی سخن در اعراب برخی از کلمات و جملاتی است که نیاز به ربط به کل مطلب داشت، و آن گاه مسائل مربوط به بلاغت عربی، مانند: تشبیه و استعاره و طباق و جناس و بدیع و معانی و بیان و وجوه و تجانس را به گونه‌ای مختصر یاد آور شده و سپس شأن نزول هر آیه‌ای را بیان کرده‌ام، زیرا برخی از شأن نزول آیات، درست نیستند.

۶. من در این تفسیر، کوشیده‌ام تا شأن نزولهایی را که صحیح نیست، ذکر نکنم. همچنین از میان برخی اسرائیلیات و سخنانی که از بنی اسرائیل از طریق کتابهای کعب الاخبار و وهب بی منیه در کتابهای ما وارد شده و فرهنگ بعضی از مسلمانها متأثر از آن شده است و تصور کرده‌اند که اینها از پیامبر (ص) است، ولی روشن شده که این گونه مطالب، از بنی

اسرائیل است، پرهیز نموده ام و هر مطلبی را که غیر صحیح بوده ذکر نکرده ام. زیرا من نخواسته ام ذهن مسلمانان را به مطالب ناصحیح، چه از حدیث و چه از سنت و چه از اطلاعاتی که انگیزه ای برای ذکر آنها وجود ندارد، پر کنم؛ چه این که نسبت به عقیده مسلمان و فهم و شناخت او از حکم خدا در این قضایا امین هستم، بنابراین، چه سودی دارد که من مطلبی را ذکر کنم که نه صحیح باشد و نه درجایی ذکر شده باشد.

در تفسیر، به بیان احکام فقهی نیز که از آیات استنباط می شود، پرداخته ام.

این فشرده ای از مهم ترین شیوه و روش من در تفسیر آیات بود.

بیانات: شما در تدوین این تفسیر، بیشتر از چه تفاسیر استفاده کرده اید؟

وهبة زحیلی: هر تفسیری مزیتی دارد متفاوت با دیگر تفاسیر. نخست از شیخ مفسرین، طبرسی آغاز می کنم و سپس رازی و زمخشری. پیوسته گفته ام که من غالباً برای بیان مدلول آیه، از تفسیر کشاف زمخشری استفاده می کنم. در حقیقت، این تفسیر، (زمخشری) مادر تفاسیر به شمار می آید، چه این که با نزدیک ترین راه، مقصود از آیه قرآن را معین می کند. تفسیری است خیلی با عظمت. آن گاه که مشکلات فراوانی از آیات در ذهنم خطور می کند، جز در تفسیر کشاف آرامش تطابق با آیات و تفسیر آن را نمی یابم.

و بعد از تفاسیر جدید، مانند: تفسیر المنار، تفسیر مراغی و تفسیر شیخ شلتوت استفاده می کنم.

تفسیر المیزان را نیز دارم که بعضی اوقات بدان مراجعه می کنم.

به همه این تفاسیر مراجعه می کنم، تا مشکلاتی را که در آنهاست ملاحظه کنم.

هر تفسیری مزیتی دارد: تفسیر قرطبی، به فقهیات، رازی، به عقاید، البحر المحیط و تفسیر کشاف در لغویات و . . .

در تناسب سوره ها و آیات و احیاناً شأن نزول، به تفسیر سیوطی و خازن و آنچه در بیان تفاسیر در این موضوع نوشته شده، متکی هستم.

در حقیقت، آنچه که در این تفسیر جدید و نو، وجود دارد، گسترش اطلاعات با شیوه ای واضح و لغتی آسان و سلیس و جذاب است که خواننده را به شوق و رغبت می آورد.

در این راستا، نامه های فراوانی از مردان و زنان مسلمان به من رسیده که مرادعای خیر کرده اند که معانی کتاب خدا را برای آنها، به طور مشروح بیان کرده ام و این بهترین چیز برای من است.

به اعتقاد من، این تفسیر، الحمد لله، خدمتی برای امت بوده و به همین سبب، با

وجودی که دو سال ونیم از پیدایش آن نگذشته، سه بار چاپ شده است، یعنی در هر ۶ یا ۷ ماه یک چاپ.

پینات: چند سال به کار این تفسیر مشغول بوده اید؟

وهبة زحیلی: زمانی که در دبی. رئیس دانشکده شریعت و قانون در دانشگاه امارات بودم، وزن و فرزندی با من نبود، مدت پنج سال با فراغ بال در آن جا درنگ کردم و به برخی کارهای علمی پرداختم و همه این فرصت پنج ساله را، تابستان و زمستان، به کار این تفسیر اشتغال داشتم و دو سال هم در دمشق، به چاپ و نشر، که هفت سال کاری بود.

یکی از امتیازات این تفسیر، جلد آخر آن (جلد ۱۶) است. این تفسیر، در پانزده مجلد، تنظیم شده است هر دو جزء قرآن، در یک مجلد. آخرین مجلد، در دو جلد تنظیم شده که شامل فهرست کاملی است از همه مطالب قرآن.

موضوعات و مسائل این تفسیر به ترتیب حروف ابجد، به صورت معجم است، تا هر کسی را که بخواهد مثلاً کلمه ابراهیم، لوط، اسماعیل را بیابد، به راحتی بتواند. یا مسأله ازدواج و طلاق، بیع و شراء، تجارت و شرکت و... همه این اطلاعات با معانی جالب روز و انسانی اجتماعی در آن موجود است. این جلد فهرست کاملی است برای موضوعات و مسائلی که در این تفسیر آمده است.

الحمد لله، ترجمه این تفسیر، در ترکیه آغاز شده است. کتاب دیگر من: «موسوعة الفقه الاسلامی وادلته» نیز، در ترکیه ترجمه شد.

پینات: با آرزوی نشر فرهنگ قرآن در جوامع اسلامی، توفیق جناب عالی را در این راه خواستاریم.

وهبة زحیلی: من خیلی از شما متشکرم و امیدوارم خداوند به شما برکت عنایت بفرماید.

۱. «سورة آل عمران»، آیه ۷.

۲. «سورة بقره»، آیه ۲۷۵.

۳. «سورة بقره»، آیه ۲۷۷.